

مطالعه زمینه‌ای، ساماندهی مدیریت شهری از طریق مشارکت شهروندان (مورد مطالعه: شهر زاهدان)

جواد ریگی^۱، غلامرضا میری^{۲*}، معصومه حافظ‌رضازاده^۲

۱. دانشجوی دکتری گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران.

۲. استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران.

* نویسنده مسئول، Email: Gholam_Reza_Miri@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۲۴ آبان ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۰۷ اسفند ۱۴۰۰

چکیده

مقدمه: امروزه تمرکززدایی مدیریتی، در فرآیندهای توسعه شهری از طریق تدوین قوانین و فرآیندهای در کشورهای توسعه‌یافته و یا در حال توسعه به طور جدی مطرح است. توجه به مشارکت در مدیریت شهری، نقش عمده‌ای در حل بسیاری از مشکلات و مسائل شهری را بر عهده دارد و بر این اساس از اولویت‌های بالای مدیریت شهری، ایجاد زمینه‌هایی برای جلب مشارکت مردمی است.

هدف: هدف پژوهش حاضر، مطالعه زمینه‌ای، ساماندهی مدیریت شهری از طریق مشارکت شهروندان (مورد مطالعه: شهر زاهدان) می‌باشد. **روش شناسی:** پژوهش حاضر از نظر هدف، جزء پژوهش‌های کاربردی و دارای ماهیتی توصیفی-تحلیلی، همچنین از نظر روش، در گروه پژوهش‌های کیفی قرار دارد. روش گردآوری داده‌ها مصاحبه و جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش گراند تئوری استفاده شد. حجم نمونه برای مصاحبه از خبرگان در چارچوب اشباع نظری با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند، ۲۰ نفر از افراد خبره (متخصصان، اساتید دانشگاه و مدیران شهری زاهدان) انتخاب شد.

قلمرو جغرافیایی پژوهش: شامل شهر زاهدان در استان سیستان و بلوچستان، می‌باشد.

یافته‌ها و بحث: از نتایج مصاحبه‌های انجام شده ۱۶ مقوله و ۵۰ واحد معنایی استخراج شد که در سه دسته شرایط (علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر) تقسیم شدند. نتایج نشان داد این شرایط سه‌گانه در امتداد با یکدیگر باعث عدم مشارکت شهروندان در مدیریت شهری شده‌اند.

نتیجه‌گیری: نتایج کلی نشان می‌دهد جهت مقابله با عدم مشارکت شهروندان در مدیریت شهری باید از استراتژی‌های (استفاده از رسانه‌های جمعی، ایجاد فرصت‌های جدید در حوزه ارتباط با مدیریت شهری، اقتصاد با برنامه یا اقتصاد راهبردی و...) استفاده نمود.

کلیدواژه‌ها: مشارکت، مدیریت شهری، گراند تئوری، زاهدان.

مقدمه

با رشد فزاینده جمعیت در شهرها و به دنبال آن افزایش مشکلات و مسائل ناشی از شهرنشینی در ابعاد وسیع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی، لزوم ایجاد و استفاده از رویکردهای جدید در مدیریت شهری احساس می‌شود (Javaheri Taghados, 2020: 774)، به طوری که امروزه مدیریت عقلانی و کارآمد بر شهرها از مهم‌ترین مسائل کشورهای جهان شده است. در عصری که شاهد رشد شتابان و پیچیده‌تر شدن شهرها و گسترش بحران‌های شهری هستیم، اعمال حاکمیت و مدیریت به صورت یک‌سویه توسط حکومت برای مدیریت جامعه شهری، دیگر مطلوب و جواب‌گو نیست، لذا کاربست راهبردهای دوسویه و تعاملی با جلب همکاری و مشارکت شهروندان و نهادهای مدنی-صنعی، بیش‌ازپیش ضرورت یافته است. یکی از این کاربست‌های پیشنهادی مدیریت مشارکتی می‌باشد. این الگو از سوی اغلب سازمان‌های بین‌المللی برای اداره شهروندمدارانه شهرهای جهان پیشنهاد شده است (Sharifi, 2015: 1). مشارکت شهروندان از پیش‌نیازهای اساسی برای موفقیت برنامه‌ها و به ثمر رسیدن تلاش‌های مدیریت شهری است. با مشارکت شهروندان در اداره امور شهر، می‌توان از توانایی‌های آن‌ها در جهت پیشبرد اهداف مدیریت شهری کمک گرفت و از سوی دیگر مشارکت خود باعث توانمندسازی شهروندان می‌گردد (Malekshahi et al, 2019: 327). مشارکت شهروندان در امور شهری یک ضرورت است، ضرورتی که می‌تواند منجر به توسعه پایدار شهری شود. مشارکت در مدیریت شهری به معنای شرکت فعالانه شهروندان در امور مختلف شهر است دیدگاه‌های نظری و تجارب متاخر مدیریت شهری تحقق‌پذیری برنامه‌های مداخله را در گرو رویکردهای برنامه‌ریزی شهری مشارکتی می‌دانند رکن اصلی پروژه توسعه شهری نیز مشارکت همه جانبه جامعه شهری، افراد و گروه‌های شهری است تا بتوان از آن طریق موضوعات مختلف شهری از جمله اسکان شهری، بهداشت، مبلمان، آموزش، اشتغال، امنیت، قانونمندی، فراغت و... را فراهم ساخت (Ashjar et al, 2015: 4). مشارکت شهروندان در فعالیت‌های شهری مشروعیت، مقبولیت و رضایت-مندی شهروندان را برای مدیریت شهری توأمان به ارمغان آورد (Haj Seyed Hosseini, 2020: 2). برای تحقق این مهم مدیران شهری نخست باید از طریق انجام مطالعات و پژوهش‌های اجتماعی ظرفیت‌ها و امور قابل واگذاری به شهروندان و بخش خصوصی را زمینه‌ساز نموده و امکانات و منابع فنی و مالی لازم را در اختیار داوطلبین قرار دهد. در مرحله بعد لازم است که میزان اثربخشی اقدامات صورت گرفته در این زمینه در مناطق مختلف مورد سنجش و تحلیل دقیق قرار بگیرند و در نهایت راهکارها و شیوه‌های اجرایی در مناطق مختلف با یکدیگر مقایسه شده و شیوه‌های مبتکرانه‌تر، کم هزینه‌تر و کارآمدتر شناسایی و معرفی گردند (Savadi and Zahidi, 2015: 2).

در این میان توجه به مشارکت مردم در اداره امور شهرها چندی است که در ایران به صورت علمی و عملی مطرح گردیده و اقدامات خوبی نیز در این راستا انجام گرفته اما به نظر می‌رسد این فعالیت‌ها آنچنان که باید نتوانسته مشارکت‌های مردمی را به صورت واقعی در اداره امور شهری جذب نماید (Haj Seyed Hosseini, 2020: 2). در حال حاضر در ایران مردم فقط از طریق شوراها در مدیریت شهری شهرها مشارکت دارند و هیچ مشارکتی در روند تهیه و اجرای طرح‌های شهری و مدیریت شهری شهرها ندارند، در صورتی که باید به نقش مردم در مدیریت شهری توجه بیشتری شود (Khajeh Shahkuhi et al, 2014: 3).

محدوده مورد مطالعه در این پژوهش شهر زاهدان در استان سیستان و بلوچستان است. شهر زاهدان با جمعیت (۶۷۲۵۸۹)، به عنوان یکی از بزرگترین مراکز جمعیتی جنوب شرق کشور و با توجه به شرایط خاص استراتژیکی و سیاسی خود در سال‌های اخیر با دلیل مهاجرت روستاییان و استقرار دستگاه‌های مختلف اداری و بخش خصوصی موجب شد این شهر روز به روز گسترش یابد و رفته رفته مشکلات آن نیز بزرگتر و گسترده‌تر شد، با وجودی که تلاش‌های زیادی برای توسعه و پیشرفت آن از سوی متولیان امر انجام می‌شد، اما نتوانست تناسبی میان جمعیت ساکن با زیرساخت‌های شهری آن ایجاد شود. نکته قابل توجه در شهر زاهدان این مطلب است که آسیب‌های ناشی از عدم مشارکت در مدیریت شهری زاهدان با وجود اقشار اجتماعی مختلف، نمود بیشتری دارد (Statistical Yearbook of Sistan and Baluchestan Governorate, 2019) از جمله این مشکلات عبارت‌اند از: کمبود

درآمدهای پایدار شهرداری، ضعف در خدمات‌رسانی بهینه به شهروندان، ناآگاهی شهروندان از وظایف و مسئولیت‌های شهروندی، همکاری نکردن شهروندان مدیریت شهری، همکاری نکردن در پرداخت به موقع عوارض شهرداری، بی‌توجهی به مسائل بهداشتی و نظافتی محله‌ها، بی‌اعتمادی به تصمیمات و عملکرد مدیریت شهری، بی‌توجهی به اولویت‌های شهروندان در اجرای پروژه‌های شهری، ناآگاهی کارشناسان با مقوله مشارکت و اهمیت آن و... (Zahedan Municipality, 2021)، که همگی از جایگاه و اهمیت مشارکت در کاهش و از بین بردن این مشکلات خبر می‌دهد. بنابراین با ظرفیت‌سازی در مدیریت شهری و ارتقاء مشارکت شهروندان می‌توان تا حدود زیادی به این مشکلات فائق آمد. برای کاستن از آسیب‌ها و ایجاد محیطی با آسایش خاطر شهروندان، پرداختن به مشارکت در برنامه‌های شهری بسیار مهم است. مشارکت آگاهانه مردم، کیفیت اجرای برنامه‌ها و بهره‌وری آن را افزایش می‌دهد و از تحمیل هزینه‌های هنگفت بر سازمان‌های مدیریت شهری جلوگیری می‌نماید. لذا تحقیق حاضر تلاش می‌کند که از طریق مطالعه زمینه‌ای (کیفی)، راهکارهای ساماندهی مدیریت شهر زاهدان از طریق مشارکت شهروندان، را بررسی کند. پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به سوال ذیل می‌باشد.

- راهکارهای ساماندهی مدیریت شهر زاهدان از طریق مشارکت شهروندان کدام‌ها هستند؟
در باب جایگاه مشارکت مردمی در مدیریت شهری مطالعات زیادی صورت گرفته که در ذیل به تعدادی از آنها اشاره خواهد شد.

ریگی و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی به سنجش مشارکت شهروندان در بسترهای مختلف در مدیریت مناطق شهری زاهدان، پرداخته‌اند. نتایج نشان داد، بین مناطق شهر زاهدان در ابعاد (اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، کالبدی و فضایی، سیاسی و مدیریتی، قانونی و حقوقی)، فقط بعد اجتماعی - فرهنگی میانگین به دست آمده بالاتر از حد متوسط عدد ۳ تاثیر زیادی، در مشارکت شهروندان در مدیریت شهری دارد و سایر ابعاد تاثیر چندانی ندارند. تارمحمدی قورچی و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهشی به بررسی امکان‌پذیری حکمروایی خوب در فرآیند مدیریت مشارکتی آب در شهرستان آق‌قلا، پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که فرآیند مدیریت مشارکتی آب در منطقه مورد مطالعه از نظر توجه به هر پنج مؤلفه حکمروایی خوب یعنی مشارکت‌مردمی و توافق‌جمعی، مسئولیت‌پذیری و قانون‌محوری، پاسخگویی و شفافیت، انصاف و کارایی و اثر بخشی موفق بوده است. شریفی (۱۳۹۷)، در پژوهشی به بررسی مشارکت شهروندان در مدیریت شهری نمونه موردی: شهر اشنویه پرداخته است. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که میزان رضایتمندی از مدیران شهری در اشنویه در سطح بسیار پایینی قرار دارد که این میزان رابطه مستقیمی با میزان مشارکت مردم در مسایل شهری دارد. این در صورتی است که میزان تمایل به مشارکت مردم در سطح بسیار بالایی قرار دارد. هر چه سطح تحصیلات تخصصی شهرداران، شوراهای شهر و کارمندان شهرداری بالاتر بوده است، میزان رضایتمندی شهروندان از آنها افزایش یافته است. یغفوری و رفیعیان (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای به بررسی عملکرد مدیریت شهری در رابطه با مشارکت شهروندان در امور شهری (مورد شهر فسا) پرداخته‌اند. نتایج حاصل از ارزیابی عملکرد مدیریت شهری شهر فسا در رابطه با افزایش مشارکت شهروندان نشان می‌دهد که مدیریت شهری شهر فسا در این رابطه عملکرد ضعیفی را داشته است، به طوری که نتایج تحلیل داده‌ها این عملکرد را در حد کم و خیلی کم ارزیابی کرده‌اند. زیاری و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهشی به سنجش میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری بر اساس الگوی حکمرانی خوب شهری در یاسوج پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان داد که از بعد ذهنی تمایل شهروندان به مشارکت در مدیریت شهری بالاست و بستر بسیار مناسبی برای مشارکت در شهر مورد مطالعه وجود دارد. اما در بعد عینی مشارکت شهروندان از سطح حداقلی پیروی می‌کند. افتخاری و همکاران (۱۳۸۹)، در پژوهشی به تحلیل عوامل موثر در مدیریت مشارکتی سیل در مناطق روستایی مطالعه موردی روستاهای سیل‌زده حوزه گرگانرود استان گلستان، پرداخته‌اند. نتایج به دست آمده نشان داد که مسئولین مشارکت اقتصادی و مردم مشارکت اجتماعی را در زمینه مدیریت و کاهش سیل در روستاها را در اولویت می‌دانند. بنتی و کارولهو (۲۰۲۱)، در پژوهشی با عنوان "ریسک طراحی شهری در فاولاهای برزیل: پیوند مشارکت، فضاهای جمعی و مدیریت ارضی به این نتایج رسیدند که طراحی شهری در فاولاس هنوز چالش

بزرگی برای یافتن مکانیزم کارآمد برای مدیریت خطرات شهری و تبدیل موثر و پایدار مناطق باز به فضاهای عمومی دموکراتیک دارد. لیا و همکاران (۲۰۲۰)، در پژوهشی به بررسی مشارکت جامعه در مدیریت میراث شهری در چین پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که مدیریت میراث شهری چین نیاز به افزایش آگاهی و تمایل عمومی و همچنین دادن مسئولیت و قدرت بیشتر به ساکنان برای مقابله با چالش‌های سریع شهرنشینی دارد، اما در حال حاضر، میزان مشارکت کم است. شهیدول (۲۰۱۶)، در پژوهشی با عنوان چه کسانی مشارکت می‌کنند و چه کسانی مشارکت نمی‌کنند؟ مدل سازگاری از مشارکت اجتماعات محلی در کشورهای در حال توسعه، مدلی از مشارکت برای کشورهای در حال توسعه، ارائه داده است. مطالعه موردی پژوهش بر روی شهر داکا پایتخت بنگلادش انجام گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان داده است که زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و نهادی مشارکت در کشورهای در حال توسعه متفاوت است. بیشتر مدل‌های توسعه برای کشورهای توسعه یافته بوده، در حالی که واقعیات کشورهای در حال توسعه بسیار متفاوت است. اوهمر و بک (۲۰۰۷)، در تحقیقی با عنوان مشارکت شهروندان در سازمان‌های محله و ارتباط آن با خودکار آمدی، اثر بخشی جمعی، حس تعلق، به این نتیجه رسید که: مشارکت روزانه اعضای سازمان‌ها با یکدیگر باعث افزایش خودکارآمدی، اثربخشی و حس اجتماعی می‌شود.

بر اساس آنچه در بخش پیشینه تحقیق آورده شده است مطالعات جامعی در خصوص ساماندهی اداره امور شهری طریق مشارکت شهروندان، انجام گرفته است. نتایج اکثر تحقیقات نشان می‌دهند که، در مجموع میزان مشارکت در امور شهری پایین است و عواملی چون: اعتماد اجتماعی، پایگاه اجتماعی اقتصادی، عضویت انجمنی، احساس بی‌قدرتی، نوع مالکیت و میزان - آگاهی روی مشارکت شهروندان در اداره امور شهر موثر هستند. نوآوری این پژوهش استفاده از روش کیفی است. بدان معنا که با استفاده از انجام مصاحبه‌های عمیق با کارشناسان و متخصصان شاخص-های مورد بررسی به صورت بومی در سطح شهر زاهدان تعیین شده و در سطح منطقه مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

مشارکت شهروندان در امور مربوط به شهر و شهرسازی از اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ در آمریکای شمالی گرفت. در این دوره، قوانین متعددی مبتنی بر مشارکت شهروندان تصویب شد که ماهیت فرآیندهای تصمیم‌گیری شهری را تغیر داد. مفهوم مشارکت در نیمه دهه ۱۹۶۰ در انگلستان مطرح شد و پس از آن، کشورهای دموکراتیک دیگر از آن استقبال کردند. با این حال از دهه آخر قرن بیستم، با ظهور و گسترش مکان‌سازی، این دیدگاه خود را سردمدار پارادایم اجتماعی و مفاهیم مشارکت مطرح نمود (Habibi et al, 2015: 60). کارکردگرایان، نهادهای مشارکتی را بر حسب تأثیراتی که بر نظام اجتماعی می‌گذارند تبیین می‌کنند. سازمان‌ها، گروه‌ها و تشکلهای، نهادهایی هستند که از مشارکت‌کنندگان تأثیر می‌پذیرند و از سویی دیگر بر یکدیگر و به نوبه خود بر جامعه تأثیر می‌گذارند. از این دیدگاه، مشارکت و نهادهای مشارکتی زمانی در جامعه گسترش می‌یابند که در بقا و تعادل جامعه اثرگذار باشند. از نظر ساختارگرایان، ساختارهای اجتماعی و نظام‌ها، رفتارهای مشارکتی را هدایت یا محدود می‌کنند و عمل را از نظر مشارکت در نظام‌های مدیریتی جستجو می‌نمایند. این گروه، ساختارها و چارچوب‌های قانونی را دارای نقش اساسی در گسترش مشارکت می‌دانند و به همین دلیل بار نهادینه شدن مشارکت و وجود چارچوب‌های قانونی تأکید دارند (Rajabi and Hesarinejad, 2013: 116). در اسکال (۲۰۰۲) در اثر خود با عنوان "شهرهایی بهتر برای تمامی استفاده‌کنندگان از آنها" مشارکت را در مدیریت شهری بر سه رویکرد مبتنی دانسته است که عبارتند از: الف) توسعه در وهله اول و پیش از همه، باید به نفع ساکنان محلی می‌باشد. ب) مردمی که در محدوده برنامه‌ریزی زندگی می‌کنند، دقیق‌ترین اطلاعات را درباره آن محدوده و موضوعات مرتبط با آن دارند پس لازم است در روند برنامه‌ریزی و مدیریت شهری به بازی گرفته شوند. پ) مردمی که بیشترین تأثیرات را از تصمیمات می‌پذیرند، سهم بیشتری برای مشارکت در روند تصمیم‌گیری دارند (Sayad and Saeidi rezvani, 2020: 4). نظریه میانجی‌گری که به سفارش دفتر معاون نخست وزیر بریتانیا (۲۰۰۴)، انجام شده، حاوی مباحث عمیق و در عین حال کاربردی در زمینه برنامه‌ریزی مشارکتی است و در این رابطه، راهبرد میانجی‌گری را برای به حداکثر رساندن مشارکت پیشنهاد می‌کند.

در تحقیق مزبور بر تدقیق مفهوم برنامه‌ریزی مشارکتی و مشخص کردن مرز آن با مفاهیم مشابه از جمله، مشارکت عمومی و مشورت عمومی تاکید شده است. این نظریه بیان می‌دارد آنچه که تاکنون وجود داشته، مشارکت عمومی بوده و نه برنامه‌ریزی مشارکتی. ضرورت استفاده از رویکرد میانجی‌گری در برنامه‌ریزی مشارکتی در سطح محدوده مورد مطالعه با دو مشکل عمده همراه می‌باشد: الف) وجود برخی تعارضات در برنامه‌ها و سیاست‌ها در مورد بعضی موضوعات مدیریت و برنامه‌ریزی محلی. ب) ظهور منافع متضاد در مورد موضوع، مکان و میزان تعدیل اثرات متقابل عناصر موثر در مدیریت و برنامه‌ریزی ایمنی در سه سطح تعهد، پیش مذاکره و مذاکره. لذا لازمه توجه به چنین نظریه-ای در خصوص مشارکت‌های فراجنسیتی، عبور از نظام سنتی برنامه‌ریزی و برنامه‌ریزی به منظور ترکیب مشارکت و مشاوره عمومی است (Weidman, 1993: 73). سون (۱۹۹۸)، نظریه گردونه مشارکت را برای بحث مشارکت شهروندی طراحی کرد. این گردونه سطوح مختلفی از مشارکت را بدون اینکه ترجیحی برای هیچ یک قائل شود، ارائه می‌کند. در این مدل، تصمیم‌گیری در تعاملی مستمر بین دولت و شهروندان صورت می‌گیرد. هر چند که سون برای سطوحی که برای مشارکت بیان می‌کند، تقدم و تاخر و ترتیب خاصی قائل نیست و اساساً به همین دلیل از استعاره گردنه به جای نردبان استفاده می‌کند. اما به هر حال سطوح چهارگانه‌ای برای مشارکت در نظر دارد که عبارتند از: ۱) اطلاع‌رسانی (۲ مشاوره ۳ مشارکت و ۴ توانمندسازی (Sharifian Sani, 2001: 47). ارنشتاین (۱۹۹۶) در مقاله‌ای که برای اولین بار در سال ۱۹۶۹ منشر شد، مفهوم مشارکت را به نحوی روشن سطح‌بندی و تبیین نمود. مقاله وی بعدها به طور مکرر مورد استفاده صاحب نظران بعدی قرار گرفت و مبنایی برای طرح نظریه‌های مشارکتی شد. ارنشتاین، مشارکت شهروندی را با تعبیر قدرت شهروندی به کار گرفت و برای توضیح آن از اصطلاح نردبان مشارکت استفاده کرد (Schlossberg and Shuford, 2005: 16) به نظر وی در پایین‌ترین پله هیچ قدرتی برای مشارکت وجود ندارد. در پلکان دوم که بحث آگاهی از فرآیند تصمیم‌گیری است، عمدتاً غیر واقعی است و تنها آگاهی از وضعیت مشارکت مورد نظر است. در پلکان سوم بحث آگاهی و اطاع رسانی قرار دارد این قسمت فرآیند آگاه سازی شهروندان می‌باشد. در پلکان چهارم که مشورت و مشاوره است قبل از اجراء با نظرسنجی از نظرات شهروندان مطلع می‌شویم ولی اگر جنبه صوری داشته باشد نظرات زیاد جدی قلمداد نمی‌گردد (Ansari and Andalib, 2016: 9). نظریه «درمان - آموزش - اجتماع» معتقد است که مشارکت مردمی، زمینه آموزش و تربیت شهروندان را مهیا می‌سازد و بر این اصل استوار است که تنها با مشارکت دادن و دخیل کردن ساکنین محلی، شهروندان می‌توانند قدرت بهبود بخشیدن به وضعیت خود را به دست بیاورند (Rajabi and Hesarinejad, 2013: 116). از نظر اسلام، مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود، منجر به رشد و تقویت اقتدار ملی و وحدت ملی می‌شود و چون در نظام مشارکت از تمامی ظرفیت‌ها، توانمندی‌ها و استعداد‌های مردم استفاده می‌شود، فاصله طبقاتی و مشکلات دولت کاهش خواهد یافت. در متون اسلامی توصیه‌های فراوانی از بزرگان درباره مشارکت وجود دارد، برای نمونه حضرت علی (ع) در نامه‌ای به مردم مصر، خطاب به آنان می‌فرماید: «ای مردم مصر، نگویید ما سرپرستی چون مالک و امامی چون علی داریم. اگر در صحنه حاضر نباشید، شکست می‌خورید... جامعه‌ای که در خواب باشد، دشمن بیدارش، او را رها نمی‌کند.» بنابراین، اندیشه اسلامی نه تنها حق مشارکت مردم در حوزه‌های کلان جامعه را به رسمیت می‌شناسد، بلکه در چارچوبی خاص، مردم را فراتر از حق، به مشارکت در احقاق حقوق و تعیین درست سرنوشت خویش برای تحقق جامعه آرمانی مکلف می‌کند. با این تفاوت که مشارکت در اندیشه اسلام و مشارکت جمعی وسیله‌ای است برای رسیدن به اهداف و آرمان‌های وحیانی، در حالی که در غرب این وسیله ضد اندیشه‌های توحیدی و برای تحقق آرمان‌های بشری استفاده می‌شود (Karami, 2003: 14).

جمع‌بندی مبانی نظری نشان می‌دهد که ارتباط بین سه رکن اصلی شهروند، کالبد و مدیریت شهری، از طریق مشارکت شهروندان حاصل می‌شود. لذا شرکت دادن مردم در اداره امور مربوط به خودشان، گامی به سوی سیاست‌های تمرکززدایی می‌باشد.

روش شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف، جزء پژوهش‌های کاربردی و دارای ماهیتی توصیفی-تحلیلی، همچنین از نظر روش، در گروه پژوهش‌های کیفی قرار دارد. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز از روش گراند تئوری استفاده شد. در این پژوهش از رویکرد سیستماتیک اشتروس و کوربین برای نظریه داده بنیاد استفاده شد. از آنجا که نظریه زمینه‌یابی، مبتنی بر روشی کاملاً استقرایی بود؛ لذا پژوهش‌گر بجای آزمودن نظریه‌های موجود، خود به تدوین یک نظریه می‌پردازد [Esfandiari & Imankhan, 2019]. بنابراین، متغیرهای مورد بررسی بر اساس چارچوب نظری و بر اساس مقوله‌ها شناسایی و اکتشاف شد. نظریه برخاسته از داده‌ها (مبتنی بر زمینه) یکی از روش‌های شناخته شده پژوهش کیفی است که برای نخستین بار توسط گلیر و اشتراوس (۱۹۶۷) بنیان نهاده شد. معمولاً پژوهش‌گرانی به این روش روی آوردند که موضوع مورد مطالعه آن‌ها در مطالعات قبلی مورد غفلت قرار گرفته یا به طور سطحی به آن توجه نشد [Mertens, 2007].

روش گردآوری اطلاعات به دو صورت مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای (جهت بررسی پیشینه و مبانی نظری) و تحقیقات میدانی (مصاحبه)، می‌باشد. لذا از مصاحبه عمیق بدون ساختار مبتنی بر مطالعه اکتشافی بهره گرفته شد. تحلیل داده‌ها در این روش، با استفاده از سیستم کدگذاری باز (شناسایی مقوله‌ها)، کدگذاری محوری (پروردن مقوله‌ها) و کدگذاری انتخابی یا گزینشی (انتخاب نهایی مقوله‌ها) انجام شد [Glaser, 2017]. مراحل اجرای تئوری داده بنیاد (گراند تئوری) به شرح ذیل می‌باشد:

مرور بازنگری: در این مرحله مقدمه‌ای برای ورود به عملیات تحلیل محسوب شد، برای جلوگیری از داوری شخصی در هنگام ترتیب داده‌ها، مصاحبه‌های ضبط شده، یادداشت‌های شخصی که در طی تحقیق توسط پژوهشگر انجام می‌شد، جمع‌آوری و مورد بازنگری و اصلاح قرار داده شد. این کار به عدم دخالت عقاید و ارزش‌های پژوهشگر در امر تحلیل کمک نمود.

گام اول: استخراج داده‌های معنایی (کدگذاری باز): کدگذاری باز یک بخش از تجزیه و تحلیل بود که شامل شناسایی، نام‌گذاری، دسته‌بندی و تشریح پدیده‌های موجود میان داده‌ها شد. این مرحله هدف، درک مفاهیم مستتر در گفته‌های مصاحبه شونده بود. نام برخی از مفاهیم از دانش پیشین گرفته شده و نام برخی مفاهیم ابداع شده توسط پژوهشگر و یا ذکر شده توسط مشارکت کنندگان و معطوف به داده‌های موجود اضافه شد.

کدگذاری ثانویه و شکل‌دهی مقولات: در مرحله بعد، کدهای اولیه به علت فراوانی آنها به کدهای ثانویه تبدیل شد (کدهای اولیه در قالب طبقه‌های مشابه قرار گرفت). چند کد ثانویه تبدیل به یک کد مفهومی شد.

گام دوم: استخراج مقوله‌ها و مضامین اصلی (کدگذاری محوری): در این مرحله برقرای رابطه بین طبقه‌های تولید شده (در مرحله کدگذاری باز) انجام شد.

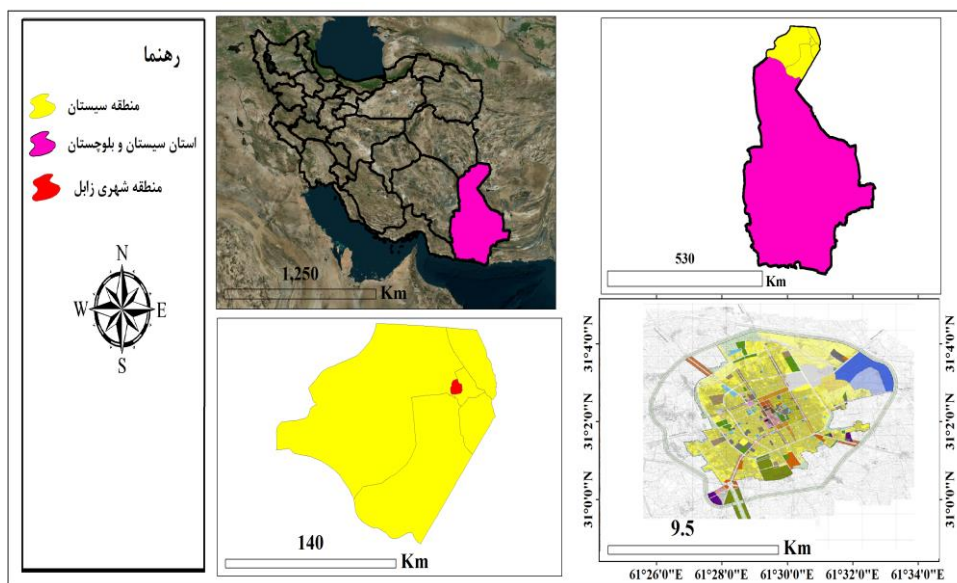
گام سوم: مرحله نظریه‌پردازی (کدگذاری انتخابی): مقولات به دست آمده در فرایند ساخت نظریه زمینه‌ای، استفاده می‌شوند.

در این پژوهش نمونه‌گیری تا مرحله اشباع (کفایت) نظری پیش رفت؛ نمونه‌گیری از نوع غیراحتمالی به صورت نمونه‌گیری هدفمند بود. در مجموع ۲۰ مصاحبه عمیق صورت گرفت. مصاحبه‌ها (بین ۶۰ تا ۹۰ دقیقه) ضبط و یادداشت و بلافاصله پیاده شد.

در این قسمت خلاصه‌ای از اطلاعات جمعیت‌شناختی (جنسیت، سن، سطح تحصیلات، رشته تحصیلی، شغل) مصاحبه‌شوندگان آمده است. از میان ۲۰ نفر متخصصان در حوزه مطالعات شهری، ۱۲ نفر مرد و ۸ نفر زن بودند. دامنه سنی آنها نیز از ۳۰ سال تا ۶۰ سال و میانگین سنی نیز ۴۰ سال بود. رشته تحصیلات همه ۲۰ نفر (برنامه‌ریزی شهری، شهرسازی و مدیریت) می‌باشد. همچنین از میان ۲۰ مشارکت کننده، ۸ نفر از مشارکت‌کنندگان اساتید دانشگاه آزاد زاهدان و سیستان و بلوچستان) و ۱۲ نفر از متخصصان در سازمان‌های شهری از جمله: شهرداری و شورای شهر می‌باشند.

قلمرو جغرافیایی پژوهش

شهر زاهدان مرکز استان سیستان و بلوچستان و بلوچستان در شرق ایران و نزدیک مرز ایران و کشورهای افغانستان و پاکستان قرار دارد. این شهر مرکز شهرستان زاهدان است. این شهرستان از شمال به شهرستان زابل، از شمال شرق به کشور افغانستان، از شمال غرب به استان خراسان، از غرب به استان کرمان، از جنوب غرب به شهرستان ایرانشهر، از شرق به کشور پاکستان و از جنوب شرق به شهرستان خاش محدود می‌شود. وسعت شهرستان زاهدان ۳۶۵۸۱ کیلومترمربع و موقعیت شهر زاهدان از لحاظ موقعیت جغرافیایی در طول جغرافیایی ۶۰ درجه و ۵۱ دقیقه و ۲۵ ثانیه شرقی و عرض جغرافیایی ۲۹ درجه و ۳۰ دقیقه و ۴۵ ثانیه شمالی قرار دارد. ارتفاع شهر از سطح دریا ۱۳۷۸ متر است. شهر زاهدان طبق آخرین تقسیمات به ۵ منطقه شهری تقسیم شده و هر یک از مناطق علاوه بر وسعت، مقدار مشخصی از جمعیت و فعالیت را در خود جای داده‌اند است. جمعیت شهر زاهدان در سال ۹۵ به ۶۷۲۵۸۹ نفر می‌باشد (Statistical Yearbook of Sistan and Baluchestan Governorate, 2019).



شکل ۱. موقعیت محدوده مورد مطالعه

یافته‌ها و بحث

مطالعه زمینه‌ای درک معنایی ساماندهی اداره امور شهر زاهدان از طریق مشارکت فعال و اثرگذار

شهروندان

مرور بازنگری

در این مرحله که در حکم مقدمه‌ای برای ورود به عملیات تحلیل محسوب می‌گردد، برای جلوگیری از داوری شخصی در هنگام ترتیب داده‌ها، مصاحبه‌های ضبط شده، یادداشت‌های شخصی که در طی تحقیق توسط محقق انجام می‌شد، جمع‌آوری و مورد بازنگری و اصلاح قرار داده شد. این کار به عدم دخالت عقاید و ارزش‌های محقق در امر تحلیل کمک می‌کند. در این راستا، در این قسمت از پژوهش لازم دانسته شد به مراحل تئوری زمینه‌ای با شرح توضیحات کامل مطرح گردد.

گام اول: استخراج داده‌های معنایی (کدگذاری باز)

کدگذاری باز یک بخش از تجزیه و تحلیل است که شامل شناسایی، نام‌گذاری، دسته‌بندی و تشریح پدیده‌های موجود میان داده‌ها می‌باشد. در این مرحله هدف، درک مفاهیم مستتر در گفته‌های مصاحبه‌شونده است. نام برخی از مفاهیم از دانش پیشین گرفته شده و نام برخی مفاهیم ابداع شده توسط محقق و یا ذکر شده توسط مشارکت‌کنندگان و معطوف به داده‌های موجود است. در این مرحله به طور کلی حدود ۵۰ مفهوم از متون مصاحبه استخراج گردید. قابل ذکر است مفاهیم مطرح شده از دل مصاحبه‌های متخصصین تهیه و تدوین شد و در قالب کد مطرح شد.

جدول ۱. مفهوم‌سازی داده‌های حاصل از پژوهش (کدگذاری باز)

ردیف	کد	مفاهیم (کدگذاری باز)
۱	X1	دسترسی به گروه‌های محلی منسجم
۲	X2	حضور سازمان‌ها و نهادهای رسمی مثل شوراها
۳	X3	شکل‌گیری تشکلهای محلی در حوزه‌های مختلف
۴	X4	دوره‌های آموزشی و ترویجی برگزار شده
۵	X5	دسترسی به سامانه‌های موجود
۶	X6	ایجاد مکان‌هایی برای مشارکت
۷	X7	اجرای طرح‌های مشارکتی در محل
۸	X8	حل شدن پیچیدگی رویه‌های اداری برای رفاه حال شهروندان
۹	X9	ارتباط محتوای کتاب‌های درسی دانش‌آموزان با مسئله مشارکت
۱۰	X10	تأثیر محتوای برنامه‌های تلویزیون و سایر برنامه‌ها
۱۱	X11	میزان دسترسی افراد به خدمات اینترنت
۱۲	X12	به تصویر کشیدن همکاری‌های بین سازمان‌ها و افراد
۱۳	X13	قابل دسترسی بودن هیئت‌های تحقیق
۱۴	X14	پخش مستقیم جلسات شورای شهر از رادیو و رسانه‌های ارتباطی
۱۵	X15	اطلاع مردم از مزایای مشارکت، دسترسی شهروندان به اطلاعات محله و مناطق
۱۶	X16	آگاه‌سازی مردم نسبت به وظایف شوراییاری
۱۷	X17	تقویت فرهنگ و هویت محله از طریق مشارکت
۱۸	X18	بهبود باورها، انتظارات و طرز تفکر شهروندان
۱۹	X19	تحول جمعیتی در محله‌ها و مناطق شهری
۲۰	X20	گرایش به تغییر وضع در میان مسئولان شهری
۲۱	X21	تلاش نهادهای دولت برای مشارکت
۲۲	X22	توجه مسئولان به پیشنهاد‌های شهروندان
۲۳	X23	فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی شهرداری در سطح محله با تفویض اختیار مدیریت بخشی از فعالیت‌های اجتماعی-فرهنگی و اعتبارات مربوطه به شوراییاری محله
۲۴	X24	تدوین برنامه سالیانه منظم برای برگزاری جلسات هم‌اندیشی به منظور افزایش مشارکت مردم در اداره محله
۲۵	X25	برگزاری هم‌اندیشی‌های محله‌ای و همایش‌های منطقه‌ای مرتبط با مسائل شهروندان
۲۶	X26	تقویت سرمایه اجتماعی و حس اعتماد شهروندان به مدیریت شهری
۲۷	X27	توانمندسازی شهروندان
۲۸	X28	استفاده از برنامه‌های اجتماعی-فرهنگی محله مقیاس برای تقویت مشارکت مردم محله بالاخص بانوان، جوانان و نخبگان محلی
۲۹	X29	سازگاری و توان در انجام وظایف و تحقق اهداف
۳۰	X30	تطبیق فرد با تغییر
۳۱	X31	تشکلهای تعاونی
۳۲	X32	همکاری تعاونی‌ها با دیگر سازمان‌های محلی
۳۳	X33	توجه به منافع جامعه از طریق تعاونی
۳۴	X34	تشکیل شرکت‌های مردم نهاد در قالب شرکت‌های تعاونی

اطلاع‌رسانی در اجرای طرح شورایی‌ها	X35	۳۵
آموزش به منتخبین شورایی محلات در پیگیری امور شهری	X36	۳۶
ایجاد انگیزه و علاقه به بدنه شورایی محله	X37	۳۷
تامین منابع مالی طرح و برنامه	X38	۳۸
توزیع نامناسب درآمد و ثروت در شهر	X39	۳۹
طبقاتی بودن شهر زاهدان	X40	۴۰
وجود یک سیستم مالیاتی عادلانه	X41	۴۱
اعتقاد مدیران شهری به مشارکت و اثرگذاری مردم در برنامه‌ریزی شهری	X42	۴۲
عمر کوتاه مدیریت	X43	۴۳
ایجاد سامانه‌هایی در جهت بهبود تعامل با مردم	X44	۴۴
تعریف جامع حقوق شهروندی	X45	۴۵
به رسمیت شناخته شدن مشارکت شهروندان	X46	۴۶
تبیین و اجرایی شدن حقوق شهروندی	X47	۴۷
توجه به مطالبات شهروندی و جایگاه قانونی آن	X48	۴۸
احیای بافت‌های شهری	X49	۴۹
شعار مردم محوری در مجموعه کلان مدیریت شهری	X50	۵۰

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

گام دوم: کدگذاری ثانویه و شکل‌دهی مقولات: در مرحله بعد، کدهای اولیه به علت تعداد فراوان آنها به کدهای ثانویه تبدیل شد (کدهای اولیه در قالب طبقه‌های مشابه قرار می‌گیرند). چند کل ثانویه تبدیل به یک کد مفهومی می‌شود.

گام سوم: استخراج مقوله‌ها و مضامین اصلی (کدگذاری محوری): در گام دوم، کدگذاری محوری مرحله دوم تجزیه و تحلیل در نظریه‌پردازی داده بنیاد است. هدف از این مرحله برقراری رابطه بین طبقه‌های تولید شده (در مرحله کدگذاری باز) است. این کار (عمل) بر اساس مدل پارادایم انجام می‌گردد و به نظریه پرداز کمک می‌کند تا فرآیند نظریه را به سهولت انجام دهد. اساساً فرآیند ارتباط‌دهی در کدگذاری محوری بر بسط و گسترش یکی از طبقه‌ها قرار دارد. در این مرحله با استفاده از افق‌ها یا اظهارات عمده در مرحله قبل اقدام به استخراج مقوله‌ها و مضامین اصلی شد. به این صورت که اظهارات در واحدهای اطلاعاتی بزرگتری مرسوم به واحدهای معنایی دسته‌بندی شد. واحدهای معنایی نشان‌دهنده ابعاد مختلف پدیده هستند و ارائه توضیحات متنی مرحله بعد را آسان‌تر می‌کنند. در این مرحله مضمون یا مقوله استخراج و مفاهیم برسازنده هر یک از این مضمون‌ها مشخص شد (جدول ۲)، لازم به یادآوری است که در بخش کیفی پژوهش ترکیبی، تعریف مفاهیم از چارچوب نظری اخذ نمی‌گردد. البته تعاریف مفهومی ارائه شده در فصول قبل، در هنگام مصاحبه و همچنین کدگذاری باز، به گسترش دید محقق کمک شایانی نموده است، لیکن این تعاریف مبنای استخراج مفاهیم و مضمون‌ها نیستند، بلکه مبنای اظهارات مشارکت‌کنندگان است که محقق تنها با انتزاع این ویژگی‌ها عنوان متناسبی بر آنها انتخاب نموده است.

جدول ۲. مقوله‌ها و مضامین اصلی

ردیف	مقوله	واحد معنایی
۱	ایجاد فرصت‌های ارتباط با مدیریت شهری	دسترسی به گروه‌های محلی منسجم حضور سازمان‌ها و نهادهای رسمی مثل شوراها شکل‌گیری تشکل‌های محلی در حوزه‌های مختلف دوره‌های آموزشی و ترویجی برگزار شده دسترسی به سامانه‌های موجود ایجاد مکان‌هایی برای مشارکت

اجرای طرح‌های مشارکتی در محل حل شدن پیچیدگی رویه‌های اداری برای رفاه حال شهروندان ارتباط محتوای کتاب‌های درسی دانش‌آموزان با مسئله مشارکت تأثیر محتوای برنامه‌های تلویزیون و سایر برنامه‌ها میزان دسترسی افراد به خدمات اینترنت به تصویر کشیدن همکاری‌های بین سازمان‌ها و افراد قابل دسترسی بودن هیئت‌های تحقیق پخش مستقیم جلسات شورای شهر از رادیو و رسانه‌های ارتباطی	رسانه‌های ارتباط جمعی	۲
اطلاع مردم از مزایای مشارکت، دسترسی شهروندان به اطلاعات محله و مناطق آگاه‌سازی مردم نسبت به وظایف شورایی تقویت فرهنگ و هویت محله از طریق مشارکت بهبود باورها، انتظارات و طرز تفکر شهروندان تحول جمعیتی در محله‌ها و مناطق شهری گرایش به تغییر وضع در میان مسئولان شهری تلاش نهادهای دولت برای مشارکت توجه مسئولان به پیشنهادهای شهروندان فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی شهرداری در سطح محله با تفویض اختیار مدیریت بخشی از فعالیت‌های اجتماعی-فرهنگی و اعتبارات مربوطه به شورایاری محله تدوین برنامه سالیانه منظم برای برگزاری جلسات هم‌اندیشی به منظور افزایش مشارکت مردم در اداره محله برگزاری هم‌اندیشی‌های محله‌ای و همایش‌های منطقه‌ای مرتبط با مسائل شهروندان تقویت سرمایه اجتماعی و حس اعتماد شهروندان به مدیریت شهری	پذیرش اجتماعی مشارکت مدیریتی-سیاسی	۳ ۴
توانمندسازی شهروندان استفاده از برنامه‌های اجتماعی-فرهنگی محله مقیاس برای تقویت مشارکت مردم محله بالاخص بانوان، جوانان و نخبگان محلی سازگاری و توان در انجام وظایف و تحقق اهداف تطبیق فرد با تغییر تشکل‌های تعاونی همکاری تعاونی‌ها با دیگر سازمان‌های محلی توجه به منافع جامعه از طریق تعاونی تشکیل شرکت‌های مردم نهاد در قالب شرکت‌های تعاونی اطلاع‌رسانی در اجرای طرح شورایی‌ها آموزش به منتخبین شورایی محلات در پیگیری امور شهری ایجاد انگیزه و علاقه به بدنه شورایی محله تامین منابع مالی طرح و برنامه توزیع نامناسب درآمد و ثروت در شهر طبقاتی بودن شهر زاهدان	اجتماعی و فرهنگی ضرورت انجام تغییر تعاونی‌ها شوراییاری	۵ ۷ ۸ ۹
وجود یک سیستم مالیاتی عادلانه اعتقاد مدیران شهری به مشارکت و اثرگذاری مردم در برنامه‌ریزی شهری عمر کوتاه مدیریت ایجاد سامانه‌هایی در جهت بهبود تعامل با مردم تعریف جامع حقوق شهروندی	اقتصاد با برنامه یا اقتصاد راهبردی رانتی بودن اقتصاد و قرار گرفتن بخش عظیمی از سرمایه در دست صاحبان مشاغل و شرکتهای دولتی اصلاح نظام مالیاتی عدم حس اعتماد مدیران به مشارکت مردم قانونی و حقوقی	۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴

به رسمیت شناخته شدن مشارکت شهروندان	فضایی و کالبدی	۱۵
تبيين و اجرائی شدن حقوق شهروندی	وجود مکانیزم مشارکت	۱۶
توجه به مطالبات شهروندی و جایگاه قانونی آن		
احیای بافت‌های شهری		
شعار مردم محوری در مجموعه کلان مدیریت شهری		

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

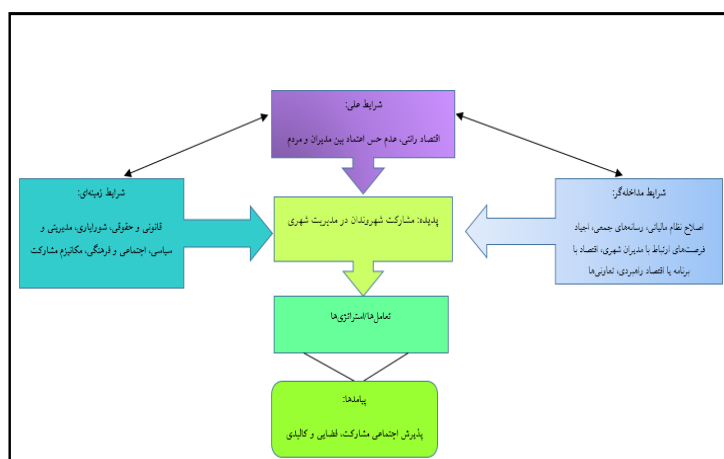
این مقوله به سه دسته مفاهیم انتزاعی‌تر (مضمون) تقسیم می‌شوند، برخی از آنها به عوامل شکل‌گیری عدم مشارکت شهروندان در مدیریت شهری اشاره کرده‌اند، برخی چالش‌های مشارکت را در مدیریت شهری و برخی نیز به پیامدها پرداخته‌اند در ابتدا به مقوله‌هایی می‌پردازیم که علت ایجاد عدم مشارکت شهروندان بوده‌اند. این مقولات عبارتند از: رانتی بودن اقتصاد و قرار گرفتن بخش عظیمی از سرمایه در دست صاحبان مشاغل و شرکت‌های دولتی، عدم حس اعتماد مدیران به مشارکت مردم می‌باشد. مقوله‌های مربوط به چالش‌های مدیریتی شامل: وجود مکانیزم مشارکت، قانونی-حقوقی، اصلاح نظام مالیاتی، اقتصاد با برنامه یا اقتصاد راهبردی، شورایاری، تعاونی‌ها، اجتماعی و فرهنگی، اطلاع‌یابی، مدیریتی و سیاسی، رسانه‌های جمعی، ایجاد فرصت‌های ارتباط با مدیریت شهری) می‌باشند.



شکل ۲. دسته‌بندی مضامین اصلی، منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

گام سوم: مرحله نظریه‌پردازی (کدگذاری انتخابی)

هدف نظریه‌پردازی بنیادی، تولید نظریه است نه توصیف صرف پدیده، برای تبدیل تحلیل‌ها به نظریه، طبقه‌ها باید به طور منظم به یکدیگر مربوط شوند. کدگذاری انتخابی (بر اساس دو مرحله قبلی کدگذاری) مرحله اصلی نظریه‌پردازی است. به این ترتیب که طبقه محوری را شکل نظام‌مند به دیگر طبقه‌ها ربط داده و آن روابط را در چارچوب یک روایت ارائه کرده و طبقه‌هایی را که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارند اصلاح می‌کند. در این مرحله پژوهشگر بر حسب فهم خود از متن پدیده مورد مطالعه، یا چارچوب مدل پارادایم را به صورت روایتی عرضه می‌کند یا مدل پارادایمی را به هم می‌ریزد و به صورت ترسیمی نظریه نهایی را نشان می‌دهد. شکل (۳).



شکل ۳. مدل زمینه‌ای مشارکت شهروندان در مدیریت شهری، منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

بر اساس مدل ارائه شده در شکل (۳)، می‌توان گفت که مشارکت شهروندان در مدیریت شهری تحت تأثیر یک سری شرایط خاصی بوده است. این شرایط در سه دسته طبقه‌بندی شده‌اند که عبارتند از شرایط علی، شرایط زمینه‌ای و شرایط مداخله‌گر. شرایط مذکور به طور کلی و در امتداد با یکدیگر باعث شده‌اند، مشارکت شهروندان در مدیریت شهری صورت نگیرد. با پدیده عدم مشارکت شهروندان متخصصان و افراد نخبه استراتژی‌های خاصی را اتخاذ نموده‌اند. استراتژی مذکور را می‌توان در قالب سازگاری با مشورت شهروندان در شهر زاهدان از یک طرف در قالب (اصلاح نظام مالیاتی، فضای و کالبدی، رسانه‌های جمعی، ایجاد فرصت‌های ارتباط با مدیریت شهری، اطلاع‌یابی، اقتصاد با برنامه یا اقتصاد راهبردی) دسته‌بندی نمود.

نتیجه‌گیری

مطابق نتایج به دست آمده، از مهمترین عوامل در سازماندهی کردن مشارکت شهروندان در مدیریت شهری، کاهش رانته بودن اقتصاد و عدم قرار گرفتن بخش عظیمی از سرمایه در دست صاحبان مشاغل و شرکت‌های دولتی می‌باشد. دولت با تک قطبی اقتصاد، موجب حذف بخش خصوصی و مردمی شده و توان رقابتی بخش‌ها را کاهش می‌دهد. رشد روز افزون هزینه‌های زندگی، تورم، کاهش درآمد و افت کیفیت مردم و پرداخت هزینه‌های شهری موجب نارضایتی آنان از سیستم خدمات شهری و فعالیت‌های شهرداری می‌شود. تلقی دولتی بودن شهرداری نیز تمایل به مشارکت را کاهش می‌دهد. توزیع نامناسب درآمد و ثروت در شهر زاهدان از تهدیدهایی است که این شهر با آن مواجه است. اقتصاد بدون برنامه یا اقتصاد روزانه دچار تورم فزاینده یا رکود دهشتناک می‌شود. زمانی که برنامه‌های اجرایی و روزانه جانشین برنامه‌های راهبردی شوند، در شرایط افزایش درآمد به توزیع نامناسب ثروت و تورم منجر می‌شود. نبود برنامه مدون اقتصادی یا عدم پایبندی به برنامه‌های کارشناسی در زمانی که افزایش درآمد حاصل می‌شود، به توزیع نامناسب ثروت، فقر گسترده و تورم منجر می‌شود. تزریق امکانات مالی به جامعه برای کسب رضایتمندی عمومی در کوتاه مدت و نبود سیاست بلند مدت برای افزایش درآمدها، حاصلی جز توزیع نامناسب ثروت، فقر نسبی گسترده و افزایش تورم نداشته و نارضایتی مردم را موجب می‌شود. دولت با تزریق درآمدهای نفتی به بودجه، بی‌نیازی به قدرت مشارکت مردم را به نمایش می‌گذارد. دیگر عامل موثر در عدم مشارکت شهروندان، عدم حس اعتماد مدیران به مشارکت مردم است، برخی مدیران شهری اعتقادی به مشارکت و اثرگذاری مردم در برنامه‌ریزی شهری ندارند. با توجه به این که هزینه‌های عمرانی و... توسط دولت و یا شهرداری و یا سازمان‌های دیگری تامین می‌شود، حلقه مدیریت شهری به ویژه در سطوح میانی و خرد نسبت به نتایج مشارکت مردم بدبین است. مشارکت یک امر سیاسی است و به شرکت در انتخابات نمایندگان، شوراهای شهری شورایی و... محدود شده است. بعد از انتخابات نسبت به پیگیری امور دیدگاه مشارکتی

وجود ندارد. مردم وظیفه خود را تمام شده می‌دانند و در صورت عدم پیگیری برنامه‌ها از سوی مدیران شهری عملاً اقدامی از سوی مردم صورت نمی‌گیرد. از طرف دیگر کوتاهی عمر مدیریت‌ها در ایران و شهرهایی از جمله زاهدان یکی دیگر از ضعف‌هاست. مدیران تنها به برنامه‌ریزی می‌پردازند و قبل از اجرای برنامه جای خود را به دیگری می‌سپارند. مدیران پیوسته عملکردها و برنامه‌های گذشته را نفی می‌کنند. این امر به بی‌اعتمادی مردم به برنامه‌ها دامن می‌زند. در ادامه نیز از مهمترین چالش‌های مدیریت شهری، ضرورت انجام تغییر است، ضرورت انجام تحقیق در دو بخش قابل بررسی است: سازگاری و توان در انجام وظایف و تحقق اهداف و تطبیق فرد با تغییر است. دیگر چالش موثر، تعاونی‌ها می‌باشد. تعاونی نیز به عنوان نهاد مشارکتی دارای ظرفیت‌های قانونی و رسمی برای پذیرش مشارکت کنندگان می‌باشد. این نوع از مشارکت، مصداق عملی مشارکت کارکردی و مشارکت تعاملی است و کارکرد آن بر حیات اقتصادی و خروجی آن، حضور فعال عضو می‌باشد و این امر نیازمند تعاملی برای موفقیت است.

دیگر چالش مورد بررسی، شورایاری است، می‌توان از اطلاع‌رسانی به عنوان بزرگترین کمبود در اجرای طرح شورایاری‌های زاهدان یاد کرد. اینکه تقریباً تعداد انبوهی از شهروندان حتی نامی از شورایاری محله نشنیده‌اند، نشان دهنده این است که تاثیرگذاری این طرح در جامعه شهروندان زاهدانی بشدت زیر سوال است. لذا توصیه می‌شود امکانات اطلاع‌رسانی بیشتری در اختیار شورایاری‌ها قرار داده شود تا آنها بتوانند با مردم محله تماش بیشتری برقرار کنند. برپایی تابلوهای اطلاع‌رسانی در اماکن عمومی محله که در آن مصوبات شورای محله، نشانی اعضای، شرح اقدامات و صورت جلساتی که با مدیران شهری برپا می‌شود می‌تواند کم‌هزینه‌ترین راه برای رسیدن به این هدف باشد. موضوع آموزش به منتخبین شورایاری محلات در پیگیری امور شهری از مواردی است که در اجرای این الگو ناکام مانده است. با وجود افراد خیره و با تحصیلات عالی در بسیاری از شورایاری‌ها، دیگر نیازمند به آموزش‌های مقدماتی در مرامات اداری، پیگیری اداری، سازماندهی و مدیریت، روابط عمومی و کار تیمی و... نمی‌باشد. دیگر چالش مورد بررسی، اجتماعی و فرهنگی است، از جنبه اجتماعی و فرهنگی، مهمترین نقطه قوت در مشارکت شهروندان در مدیریت شهری سرمایه اجتماعی است که عامل کنترل اجتماعی محسوب می‌شود. احساس شهروندی می‌تواند ظرفیت‌ها و توانمندی‌ها را در بهبود امور شهری به کار گیرد. تقویت این سرمایه مستلزم تقویت نهادها و تشکلهای غیردولتی، شوراهای و شورایاری‌ها و... به ویژه در سطح محلی و منطقه‌ای است. مدیریت شهری از جمله سازمان شهرداری می‌تواند با ایجاد کانون‌های مشارکتی و کارگاه، همایش‌ها و سمینارهای آموزشی و... از پتانسیل زنان و بازنشستگان در بهبود مدیریت شهری استفاده کند.

دیگر چالش مورد بررسی، اصلاح نظام مالیاتی است، عدم وجود یک سیستم مالیاتی عادلانه یکی دیگر از ضعف‌های موجود در مشارکت شهروندان در مدیریت شهری است. در جامعه شهری زاهدان نوعی از مالیات به ویژه از سوی صاحبان مشاغل و شرکت‌های سود ده و استفاده‌کنندگان از رانت‌های مالی، مالیاتی، حقوقی و... وجود دارد. ضعف در نظام مالیات‌ها، سلیقه‌ای بودن و دخالت عوامل غیر اقتصادی (روابط و مناسبات فردی و گروهی و جناحی و...) در محاسبات مالیاتی منجر به ایجاد نارضایتی در مالیات‌دهندگان خرد به ویژه کارمندان و بخش‌های ضعیف اقتصادی می‌شود. بنابراین رویکرد جدید در اصلاح نظام مالیات‌ها و افزایش درآمدهای مالیاتی فرصتی است تا بر اساس آن به تدوین آئین‌نامه‌ها، طرح‌ها و برنامه‌های مورد نیاز به منظور جلب مشارکت مردم، تامین هزینه‌های امور شهری و تبیین نقش اقتصادی مردم در بهبود مدیریت شهری توجه شود. در ادامه نیز چالش اقتصاد راهبردی مورد تاکید متخصصان است، هر برنامه‌ای حتی اگر به بهترین نحوی تدوین شده باشد، بدون در نظر گرفتن منابع مالی آن قابل اجرا نیست. بنابراین افزایش درآمد شهروندان به عنوان نقطه قوت عملیاتی شدن برنامه‌ها و طرح‌های توسعه محله و مناطق شهری زاهدان به شمار می‌رود. مدیران شهری از جمله سازمان شهرداری می‌توانند بستری را فراهم کنند که هر شهروندی مطابق با توان و امکانات خود به بهبود کیفیت امور شهری کمک کند. از جمله نقاط موثر در افزایش مشارکت شهروندان در مدیریت شهری، ایجاد سامانه‌هایی در جهت بهبود تعامل با مردم است. این اقدامات و پیگیری درخواست‌ها و شکایات مردمی نقطه قوتی است که به بازسازی اعتماد مردم و تقویت سرمایه اجتماعی کمک می‌کند. همچنین نقطه دیگر

جهت افزایش مشارکت شهروندان در مدیریت شهری، تعریف جامع حقوق شهروندی است. با وجود تکیه بر حقوق شهروندی و بیان آزادانه نظرات و دیدگاه‌های مردم، این حقوق تبیین نشده و در این زمینه اطلاعات کافی داده نشده است. عدم اطلاع مردم از حقوق خود به مدیران امکان می‌دهد که در پاسخگویی الزامی نداشته باشند. شهروندان به لحاظ حقوقی امکان پیگیری امور شهری را ندارد و نمی‌توانند بر آن نظارت کنند. از فرصت‌های موجود به قانونی اساسی اشاره کرد. مشارکت مردم در قانون در کلیه امور به رسمیت شناخته شده است. سازوکارهای قانونی مشارکت فراهم شده و باید مکانیزم‌های تحقق مشارکت، بر اساس الگوهای مشارکتی تدارک دیده شود. جهت رسیدن به این هدف لازم است تغییراتی در دیدگاه از حکومت شهری به حاکمیت شهری صورت گیرد تا این رویکرد بتواند در شهرسازی مشارکتی نیز مدنظر قرار گیرد.

در ادامه نیز، موضوع مکانیزم مشارکت مطرح می‌شود، با وجود شعار مردم محوری در مجموعه کلان مدیریت شهری، هنوز دیوان‌سالاری حاکم است و مشارکت به سوی عملیاتی شدن گام برداشته است. در ادامه نیز رسانه‌های جمعی مورد تاکید قرار می‌گیرد، عملکرد رسانه‌ها نسبت به رویدادهای مدیریت شهری از یک سو منعکس کننده نیازها و تقاضاها و مطالبات مردم است و از دیگر سو عامل اطلاع‌رسانی فعالیت‌های انجام گرفته از سوی مسئولان عرصه مدیریت شهری است که باعث آگاهی مردم از این فعالیت‌ها، استفاده از خدمات ارائه شده و یا مشارکت در آنها می‌شود و در مجموع ارتباط مستقیمی با مقوله توسعه شهری و به تبع آن توسعه همه جانبه دارد.

در نهایت، ایجاد فرصت‌های ارتباط با مدیران شهری نیز یکی دیگر از نقاط موثر در ساماندهی کردن مشارکت شهروندان در مدیریت شهری می‌باشد. این امر نیز با عواملی از جمله: دسترسی به گروه‌های محلی منسجم، حضور سازمان‌ها و نهادهای رسمی مثل شوراهای، شکل‌گیری تشکلهای محلی در حوزه‌های مختلف، دوره‌های آموزشی و ترویجی برگزار شده، دسترسی به سامانه‌های موجود، ایجاد مکان‌هایی برای مشارکت، اجرای طرح‌های مشارکتی در محل، حل شدن پیچیدگی رویه‌های اداری برای رفاه حال شهروندان، ارتباط محتوای کتاب‌های درسی دانش‌آموزان با مسئله مشارکت، محقق می‌گردد. در نهایت پیامدهای موثر از دیدگاه متخصصان: پذیرش اجتماعی مشارکت، فضایی و کالبدی می‌باشد، پذیرش اجتماعی مشارکت نیز از طریق عواملی از جمله: اطلاع مردم از مزایای مشارکت، دسترسی شهروندان به اطلاعات محله و مناطق، آگاه‌سازی مردم نسبت به وظایف شورایی، تقویت فرهنگ و هویت محله از طریق مشارکت، بهبود باورها، انتظارات و طرز تفکر شهروندان، تحول جمعیتی در محله‌ها و مناطق شهری صورت می‌گیرد. در بخش فضایی و کالبدی نیز قابل ذکر است، با وجود اینکه بسیاری از ساختارهای محله‌های شهر زاهدان به صورت سنتی می‌باشد. بنابراین محوریت طرح‌ها و برنامه‌های توسعه شهری زاهدان بر مبنای توسعه محله‌ای به احیای بافت‌های شهری، مکان‌های عمومی و الزامات فرهنگی و هنری خواهد انجامید. ایجاد فضاهای فرهنگی در پارک‌ها، اماکن تفریحی، شهربازی‌ها، سینماها، کتابخانه‌ها و... فرصتی برای مشارکت والدین، خانواده‌ها، بازنشستگان، جوانان و زنان می‌باشد تا اقشار مختلف ضمن گذران اوقات فراغت، تجارب و مهارت خود را در زمینه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی به مخاطبان انتقال دهند.

در یک جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت، نتایج پژوهش با پژوهش‌های (شریفی (۱۳۹۷)، یغفوری و رفیعیان (۱۳۹۴)، بنتی و کارولهو (۲۰۲۱))، همخوانی و همپوشانی دارد.

در نهایت با توجه به نتایج پژوهش پیشنهادات ذیل ارائه می‌گردد:

- شهرداری‌ها، در راستای برنامه‌های کلان و توسعه ملی باید با تجدید ساختار و اصلاح روابط خود با شهروندان، از جایگاه طراح، برنامه‌ریز و مجری خدمات شهری، طراحی و برنامه‌ریزی را برای خود محفوظ داشته و عملیات اجرایی را به نهادهای مشارکتی واگذار و بر اجرایی کردن آنها تاکید کرده و نظارت نمایند. آنها باید از حوزه عملیات اجرایی روزمره جدا شده و به برنامه‌ها و پروژه‌های کلان شهری اهتمام ورزند و کلیه امور اجرایی محلی و منطقه‌ای و شهری را به ساختارهای مردم نهاد محول نمایند. به عبارت دیگر، شهرداری‌ها از سازمان‌های گسترده با وظایف گسترده، به سازمان تخصصی با دانش مدیریت شهری (برنامه‌ریزی تا نظارت) و دانش تخصصی طراحی و اجرای طرح‌های کلان، تبدیل

- شوند و کلیه امور خرد و قابل واگذاری را به ساختارهای مردم نهاد محول کنند. شورای شهر در جایگاه فعلی خود باقی مانده و به وظایف محوله عمل نماید. سایر نهادهای مشارکت مردمی نیز به ساختار جدید منتقل گردند.
- هدف یک سازمان مدیریت شهری از جمله شهرداری نیز جهت دهی به روند تحول نهادی فضاهای شهری است. برای این منظور، سازمان مدیریت شهری می‌باید به صورتی یکپارچه، هدفمند و مشارکت جو ایجاد شود. سازمانی که از بالا و به صورت متمرکز و بخشی ایجاد شود و به فرصت‌های و محدودیت‌های نهادی موجود توجه نکند، در اداره شهر کارآمدی و اثربخشی لازم را نخواهد داشت. در این ارتباط، برقراری تعامل بین محققان و دانشگاهیان، نمایندگان شهرداری و سایر دستگاه‌های ذی ربط، تصمیم‌گیران و سیاستگذاران حول موضوع ظرفیت‌سازی در مدیریت شهری از اهمیت بسزایی برخوردار است. رفع معضلات و مشکلات پیش روی شهر زاهدان، به بهبود و ظرفیت‌سازی نهادی موثر در ساختارهای مدیریت شهری، از طریق طراحی فرایندهایی از تصمیم‌سازی و برنامه‌ریزی مشارکتی با گروه‌ها و ذی نفعان و ذی نفوذان مختلف شهری، امکان پذیر است.
- ترمیم نگاه مدیران شهری به مردم و مشارکت به عنوان عملکرد دو طرفه، پاسخ‌گویی مدیران شهری در بحث ایجاد حس مشارکت مردم و افزایش آن از اهمیت بالایی در اجرای طرح‌های مختلف دارد و مسئولان باید توجه زیادی به این مقوله داشته باشند که این امر در قالب تصویر رسانه‌ها و اطلاع‌رسانی شفاف و روشن از چگونگی برگزاری جلسات با حضور شهروندان و شنیده شدن مباحث و طرح مشکلات و به کار بستن برنامه برای حل آنها می‌تواند زمینه را برای مسئولیت‌پذیری و مشارکت مردم بنا نهد و همچنین باید به گونه‌ای عمل شود تا شهروندان به عنوان سرمایه اجتماعی حس اعتماد و صداقت را با ارتقاء سطح مشارکت خود به چشم دیده و شاهد آن باشند.

سپاسگزاری

مقاله حاضر مستخرج از رساله دکتری رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری بوده که در گروه جغرافیای دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان از آن دفاع شده است.

منابع

- اسفندیاری، مصطفی، ایمان خان، نیلوفر. (۱۳۹۸). تحلیل رفتار مشتریان صنعت بانک: رهیافت نظریه داده بنیاد. *فصلنامه علمی مدل‌سازی اقتصادی*، ۱۳(۴۵)، ۹۳-۱۱۴.
- اشجار، محسن، محمدپور، فرهاد، محمدپور، فرشته. (۱۳۹۴). مدیریت شهری با رهیافت مشارکت شهروندی از طریق تقویت دولت محلی، سومین کنگره بین‌المللی عمران، معماری و توسعه شهری (صص ۱-۱۲)، تهران.
- افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین، پورطاهری، مهدی، صادقلو، طاهره، سجاسی قیداری، حمدالله. (۱۳۸۹). تحلیل عوامل موثر در مدیریت مشارکتی سیل در مناطق روستایی مطالعه موردی روستاهای سیل‌زده حوزه گرگانرود استان گلستان. *پژوهش‌های روستائی*، ۱(۲)، ۱-۲۶.
- انصاری، ثمینه، عندلیب، علیرضا. (۱۳۹۵). الگویی نوین برای ارزیابی میزان مشارکتی بودن طرح‌ها، نمونه: محله خوب بخت. *نشریه نقش جهان، مطالعات نظری و فناوری‌های نوین معماری و شهرسازی*. ۶(۱)، ۱۷-۵.
- تارمحمدی قورچی، زهرا، عبدالله زاده، غلامحسین، شریف‌زاده، محمد شریف، قزل، عبدالوهاب. (۱۳۹۹). بررسی امکان‌پذیری حکمروایی خوب در فرآیند مدیریت مشارکتی آب در شهرستان آق‌قلا. *پژوهش آب در کشاورزی*، ۳۴(۲)، ۲۸۷-۳۰۰.
- جواهری تقدس، مصطفی، نسترن، مهین، زبردست، اسفندیار، بصیرت، میثم. (۱۳۹۹). آینده‌پژوهی نقش شهرهای جدید در ایجاد تعادل ساختار فضایی - کالبدی کلانشهرها با رویکرد و سیاست‌های آمایش سرزمینی. *سیاست‌های راهبردی و کلان*، ۸(۳۲)، ۷۷۲-۷۹۴.
- حاج سیدحسینی، پونه السادات. (۱۳۹۹). بررسی جایگاه مشارکت اجتماعی شهروندان در ساختار مدیریت شهری، *نشریه معماری شناسی*، ۳(۱۵)، ۱-۱۲.
- حبیبی، کیومرث، علیمردانی، مسعود، کتاب‌اللهی، کسری، زین‌الصالحین، فاطمه. (۱۳۹۴). شناسایی و بررسی دیدگاه‌های جدید طراحی شهری از ابتدای قرن حاضر براساس معیارهای مرز مفهوم سازی. *معماری و شهرسازی پایدار*، ۳(۱)، ۵۹-۷۴.

- خواجه شاهکوهی، علیرضا، نجفی‌کانی، علی اکبر، بابائیان، طاهره. (۱۳۹۳). بررسی میزان مشارکت شهروندان حاشیه شهرهای میانی در مدیریت شهری. مطالعه موردی: شهر بابل، *مجله آمایش جغرافیایی فضا*، ۴ (۱۲)، ۱-۱۷.
- رجبی، آریتا، حساری نژاد، جعفر. (۱۳۹۲). شرکت‌های مردم‌نهاد شهری؛ راهکاری برای مشارکت شهروندان در مدیریت شهری. *فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری*، ۱ (۴)، ۱۱۱-۱۲۹.
- رهنمایی، محمدتقی، کشاورز، مهناز. (۱۳۸۹). بررسی الگوی حکمروایی خوب و نقش دولت در مدیریت و اداره ی امور شهرها در ایران، *پژوهش های بوم شناسی شهری*، ۱ (۱)، ۲۳-۵۵.
- ریکی، جواد، میری، غلامرضا، حافظ رضازاده، معصومه. (۱۴۰۰). واسنجی مشارکت شهروندان در بسترهای مختلف در مدیریت مناطق شهری (مورد مطالعه: شهر زاهدان). *فصلنامه نگرش های نو در جغرافیای انسانی*، ۱۳ (۳)، ۲۱۶-۲۳۴.
- زیاری کرامت اله، نیک پی وحید، حسینی علی. (۱۳۹۲). سنجش میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری بر اساس الگوی حکمرانی خوب شهری - مطالعه موردی شهر یاسوج. *مسکن و محیط روستا*، ۳۲ (۱۴۱)، ۶۹-۸۶.
- سالنامه آماری استانداری سیستان و بلوچستان*، (۱۳۹۸). استانداری سیستان و بلوچستان، معاونت آمار و اطلاعات.
- سواد، امین، زهیدی، مهیار. (۱۳۹۴). راهکارهای افزایش نقش مشارکت شهروندان در توسعه مدیریت کلان شهری، کنفرانس *بین المللی پژوهش های نوین در عمران، معماری و شهرسازی* (صص ۱-۱۴)، تهران.
- شریفی، امیر. (۱۳۹۴). آسیب شناسی مدیریت شهری شهر سنندج با رویکرد حکمروایی خوب، *پایان نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه تهران.
- شریفی، بایزید، (۱۳۹۷). ارزیابی مشارکت شهروندان در مدیریت شهری نمونه موردی: شهر اشنویه، *اولین همایش بررسی چالش ها و ارایه راهکارهای نوین مدیریت شهری* (صص ۱-۱۲)، تهران.
- شریفیان ثانی، مریم. (۱۳۸۰). مشارکت شهروندی، حکمروایی شهری و مدیریت شهری. *فصلنامه مدیریت شهری*، ۲ (۸)، ۴۲-۵۵.
- شهرداری شهر زاهدان. (۱۴۰۰). *واحد معماری و شهرسازی*.
- صیاد، نیما، سعیدی رضوانی، نوید. (۱۳۹۹). شارت، روشی برای مشارکت در طراحی شهری. *فصلنامه پژوهشی شهرسازی و معماری هویت محیط*، ۱ (۳)، ۱-۱۶.
- کرمی، سعید. (۱۳۸۲). رسانه‌ها و راه‌های تقویت مشارکت مردم در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی، *ناشر بوستان کتاب قم*، قم.
- ملکشاهی، غلامرضا، نیکپور، عامر، غلامی، سپیده. (۱۳۹۷). شناخت و ارزیابی عوامل مرتبط با مشارکت شهروندان در مدیریت شهری. *دو فصلنامه جامعه شناسی نهادهای اجتماعی*، ۵ (۱۲)، ۳۲۷-۳۵۰.
- یغفوری، حسین، رفیعیان، سجاد. (۱۳۹۴). بررسی عملکرد مدیریت شهری در رابطه با مشارکت شهروندان در امور شهری (مورد شهر فسا)، *مطالعات و پژوهش‌های شهری منطقه‌ای*، ۷ (۲۷)، ۸۱-۱۰۰.
- Benetti, P, Carvalho, S, (2021), Risk and urban design in Brazilian favelas: Linking participation, collective spaces, and territorial management, *in book: Enhancing Disaster Preparedness*, Chapter 10, 189-205.
- Glaser B (2017). *Discovery of grounded theory: Strategies for qualitative research*. Rutledge.
- Lia, J, Krishnamurthy, S, Roders, P, Wesemael, P, (2020), Informing or consulting? Exploring community participation within urban heritage management in China, *Habitat International*, (105), 102268.
- Mertens D.M. (2007). Transformative paradigm: Mixed methods and social justice. *Journal of Mixed Methods Research*, 1 (3): 212-225.
- Ohmer, M. Beck, E, (2006). Citizen participation in contrasting neighbourhoods in poor communities and relationship toneighbourhood and organizational collective efficacy, *journal of sociology and social welfare*, 32(1), 179-202.
- Schlossberg, M.A, Shuford, E, (2005), Delineating Public and Participation. PPGIS. *URISA Journal*, 15 (2), 16 26.
- Shahidul, M, (2016). Who participate and who doesn't? Adapting community participation model for developing countries, *Journal of Cities* (53), 70-77.
- Weidman, I. (1993). Public participation in waste management decision making. *Journal of Hazardous*, 33 (2), 70-82.